

مکاشفه یوحنا رسول

مقدمه

مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد تا اموری را که میباید زود واقع شود، بر غلامان خود ظاهر سازد و بوسیله فرشته خود فرستاده، آن را ظاهر نمود بر غلام خود یوحنا، که گواهی داد به کلام خدا و به شهادت عیسی مسیح در اموری که دیده بود. ۳ خوشبحال کسیکه میخواند و آنانی که میشنوند کلام این نبوت را، و آنچه در این مکتوب است نگاه میدارند، چونکه وقت نزدیک است.

تجیات و ستایش خدا

یوحنا، به هفت کلیسایی که در آسیا هستند. و از عیسی مسیح که شاهد امین و نخست زاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است. مراورا که ما را محبت مینماید و ما را از نگاهان مابه خون خود شست، و ما را نزد خدا و پدر خود پادشاهان و کهنه ساخت، او را جلال و توانایی باد تا ابد الابد. آمین.

اینک با برهامی آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که او را نیزه زدند و تمامی امت های جهان برای وی خواهند نالید. بلی!
«ن هستم الف و یا، اول و آخر،» میگوید آن خداوند خدا که هست و بود و می آید، قادر علی الاطلاق.

رویای یوحنا

من یوحنا که برادر شما و شریک در مصیبت و ملکوت و صبر در عیسی مسیح هستم، بجهت کلام خدا و شهادت عیسی مسیح در جزیرهای مسمی به پطمس شدم. ۱۰ و در روز خداوند در روح شدم و از عقب خود آوازی بلند چون صدای صور شنیدم، که میگفت: «ن الف و یا اول و آخر هستم. آنچه میبینی در کتابی بنویس و آن را به هفت کلیسایی که در آسیا هستند، یعنی به افسس و اسمیرنا و پرغامس و طیاتیرا و ساردس و فیلا دلفیه و لاودکیه بفرست.»
پس رو برگردانیدم تا آن آوازی را که با من تکلم مینمود بنگرم؛ و چون رو گردانیدم، هفت چراغدان طلا دیدم،

و در میان هفت چراغدان، شبیه پسر انسان را که ردای بلند در برداشت و بر سینه وی کمر بندی طلا بسته بود،

و سر و موی او سفید چون پشم، مثل برف سفید بود و چشمان او مثل شعله آتش، و پایپایش مانند برنج صیقلی که در کوره تابیده شود، و آواز او مثل صدای آبهای بسیار؛ و در دست راست خود هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری دود مه تیز بیرون میآمد و چهرهاش چون آفتاب بود که در قوتش میتابد. و چون او را دیدم، مثل مرده پیش پایپایش افتادم و دست راست خود را بر من نهاده، گفت: «رسان مباش! من هستم اول و آخر زنده؛

و مرده شدم و اینک تا ابد الا با زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است. ۱۹ پس بنویس چیزهایی را که دیدی و چیزهایی که هستند و چیزهایی را که بعد از این خواهند شد،

سر هفت ستاره‌های را که در دست راست من دیدی و هفت چراغدان طلا را. اما هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسا هستند و هفت چراغدان، هفت کلیسا میباشند.

به کلیسای افسس

«فرشته کلیسای در افسس بنویس که این را میگوید او که هفت ستاره را بدست راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلا می خرامد.

۲ میدانم اعمال تو را و مشقت و صبر تو را و اینکه متحمل اشرار نمی توانی شد و آنانی را که خود را رسولان میخوانند و نیستند از مودی و ایشان را دروغ گویاقتی؛ و صبر داری و بخاطر اسم من تحمل کردی و خسته نگشتی.

«کن بجای بر تو دارم که محبت نخستین خود را ترک کرده‌ای.

۵ پس بخاطر آن که از جفا افتاده‌ای و توبه کن و اعمال نخست را بعمل آور و الا بزودی نزد تو میآیم و چراغدانان را از مکانش نقل میکنم اگر توبه نکنی.

۶ لکن این را داری که اعمال نقولا و یان را دشمن داری، چنانکه من نیز از آنها نفرت دارم.

«نکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه میگوید: هر که غالب آید، به او این را خواهم

بخشید که از درخت حیاتی که در وسط فردوس خداست بخورد.

به کلیسای اسپیرنا

«به فرشته کلیسای در اسپیرنا بنویس که این رامیگوید آن اول و آخر که مرده شد و زنده گشت.

۹ اعمال و تنگی و مفلسی تو را میدانم، لکن دولتند هستی و کفر آتانی را که خود را یهود میگویند و نیستند بلکه از کنیسه شیطانند.

۱۰ ازان زحماتی که خواهی کشید مترس. اینک ابلیس بعضی از شمارادر زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوی و مدت ده روز زحمت خواهید کشید. لکن تابه مرگ امین باش تا تاج حیات رابه تو دهم.

۱۱ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیسایها چه میگوید: هر که غالب آید از موت ثانی ضرر نخواهد یافت.

به کلیسای پیرغامس

«به فرشته کلیسای در پیرغامس بنویس این رامیگوید او که شمشیر دودمه تیز را دارد.

۱۳ اعمال و مسکن تو را میدانم که تخت شیطان در آنجاست و اسم مرا محکم داری و ایمان

مرا انکار ننودی، نه هم در ایامی که انطیپاس شهید امین من در میان شما در جایی که شیطان ساکن است کشته شد.

۱۴ لکن بحث کمی بر تو دارم که در آنجا اشخاصی را داری که متمسکند به تعلیم بلعام

که بالاق را آموخت که در راه بنیاسرائیل سنگی مصادم بیندازد تا قربانی های بتهارا بخورند و زنا کنند.

۱۵ و همچنین کسانی را داری که تعلیم نقولا ویان را پذیرفته اند.

۱۶ پس توبه کن و الازودی نزد تو میآیم و به شمشیر زبان خود با ایشان جنگ خواهم

کرد.

۱۷ آنکه گوش دارد، بشنود که روح به کلیسایها چه میگوید: و آنکه غالب آید، از من

مخفی به وی خواهم داد و سنگی سفید به او خواهم بخشید که بر آن سنگ اسمی جدید مرقوم

است که احدی آن را نمی داند جز آنکه آن را یافته باشد.

به کلیسای طیباتیرا

«به فرشته کلیسای در طیاتیر بنویس این را میگوید پسر خدا که چشمان او چون شعله آتش و پاییهای او چون برنج صیقلی است.

۱۹ اعمال و محبت و خدمت و ایمان و صبر تو را می دانم و اینکه اعمال آخر تو بیشتر از اول است.

۲۰ لکن بجای بر تو دارم که آن زن ایزابل نامی را راه میدهی که خود را نبیه میگوید و بندگان مرا تعلیم داده، اغوا میکند که مرتکب زنا و خوردن قربانیهای بتها بشوند.

۲۱ و به او مهلت دادم تا توبه کند، اما نمی خواهد از زنا و خوردن توبه کند.

۲۲ اینک او را بر بستری میانندازم و آنانی را که با او زنا میکنند، به مصیبتی سخت مبتلا میگردانم اگر از اعمال خود توبه نکنند،

و اولادش را به قتل خواهم رسانید. آنگاه همه کلیساها خواهند دانست که منم امتحان کننده جگرها و قلوب و هر یکی از شمارا بر حسب اعمالش خواهم داد.

۲۴ لکن باقی ماندگان شمارا که در طیاتیر هستند و این تعلیم را نپذیرفتهاید و عمقهای شیطان را چنانکه میگویند نفهمید هاید، بار دیگری بر شما نمی گذارم،

چرا آنکه به آنچه دارید تا هنگام آمدن من تمسک جوئید.

۲۶ و هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد، او را بر امت ها قدرت خواهم بخشید تا ایشان را به عصای آهنین حکمرانی کند و مثل کوزه های کوزهگر خرد خواهند شد، چنانکه من نیز از پدر خود یاد گرفتم.

۲۸ و به او ستاره صبح را خواهم بخشید.

۲۹ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه میگوید.

به کلیسای ساردس

«به فرشته کلیسای در ساردس بنویس این را میگوید او که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد. اعمال تو را میدانم که نام داری که زندهای ولی مرده هستی.

۲ بیدار شو و مابقی را که نزدیک به فنا است، استوار نمازیرا که هیچ عمل تو را در حضور خدا کامل نیافتم.

۳ پس بیاد آور چگونه یافته‌ای و شنیده‌های و حفظ کن و توبه نماز پرا هر گاه بیدار نباشی، مانند دردتو خواه آمد و از ساعت آمدن من بر تو مطلع نخواهی شد.

«کن در ساردس اسمهای چند داری که لباس خود را نجس نساخته‌اند و در لباس سفید با من خواهند خرامید زیرا که مستحق هستند.

۵ هر که غالب آید به جامه سفید ملبس خواهد شد و اسم او را از دفتر حیات من نخواهم ساخت بلکه به نام وی در حضور پدرم و فرشتگان او اقرار خواهد نمود.

۶ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه میگوید.

به کلیسای فیلا دلفیه

«به فرشته کلیسای در فیلا دلفیه بنویس که این را میگوید آن قدوس و حق که کلید داود را دارد که می‌گشاید و هیچکس نخواهد بست و می‌بندد و هیچکس نخواهد گشود.

۸ اعمال تو را می دانم. اینک دری گشاده پیش روی تو گذارده‌ام که کسی آن را نتواند بست، زیرا اندک قوتی داری و کلام مرا حفظ کرده، اسم مرا انکار ننمودی.

۹ اینک میدهم آثانی را از کنیسه شیطان که خود را یهود مینامند و نیستند بلکه دروغ میگویند. اینک ایشان را مجبور خواهم نمود که بیایند و پیش پایهای تو سجده کنند و بدانند که من تو را محبت نمودهام.

۱۰ چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی، من نیز تو را محفوظ خواهم داشت، از ساعت امتحان که بر تمام ربع مسکون خواهد آمد تا تمامی ساکنان زمین را بیازماید.

۱۱ بزودی می‌آیم، پس آنچه داری حفظ کن مبادا کسی تاج تو را بگیرد.

۱۲ هر که غالب آید، او را در هیكل خدای خود ستونی خواهم ساخت و دیگر هرگز بیرون نخواهد رفت و نام خدای خود را و نام شهر خدای خود یعنی اورشليم جدید را که از آسمان از جانب خدای من نازل میشود و نام جدید خود را بروی خواهم نوشت.

۱۳ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه میگوید.

به کلیسای لاؤدکيه

«به فرشته کلیسای در لاؤدکيه بنویس که این را میگوید آمین و شاهد آمین و صدیق که

ابتدای خلقت خداست.

۱۵ اعمال تو را میدانم که نه سرد و نه گرم هستی. کاشکه سرد بودی یا گرم.

۱۶ لهذا چون فاتر هستی یعنی نه گرم و نه سرد، تو را از دهان خودی خواهم کرد.

۱۷ زیرا می گوئی دولت مند هستم و دولت اند و ختام و به هیچ چیز محتاج نیستم و نمی دانی که تو مستمند و مسکین هستی و فقیر و کور و عریان.

۱۸ تو را نصیحت میکنم که زرمصفای به آتش را از من بخری تا دولت مند شوی، و رخت سفید را تا پوشانیده شوی و ننگ عربانی تو ظاهر نشود و سر مه را تا به چشمان خود کشیده بینایی یابی.

۱۹ هر که را من دوست میدارم، تو بیخ و تادیب مینمایم. پس غیور شو و توبه نما.

۲۰ اینک بر در ایستاده میگویم؛ اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من.

۲۱ آنکه غالب آید، این را به وی خواهم داد که بر تخت من با من بنشیند، چنانکه من غلبه یافتم و با پدر خود بر تخت او نشستم.

۲۲ هر که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه میگوید.»

تختی در آسمان

بعد از این دیدم که ناگاه دروازه های در آسمان باز شده است و آن آواز اول را که شنیده بودم که چون کرنا با من سخن میگفت، دیگر باره میگوید: «ه اینجا صعود نماتا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم.»

فی الفور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده های

۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قرحی در گردن تخت که به منظر شباهت به زمره دارد

و گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تختها بیست و چهار پیر که جامهای سفید در بردارند نشسته دیدم و بر سر ایشان تاجهای زرین.

۵ و از تخت، بر قها و صداها و رعد هابرمی آید؛ و هفت چراغ آتشین پیش تخت افروخته

که هفت روح خدا میباشند.

۶ و در پیش تخت، دریایی از شیشه مانند بلور و در میان تخت و گرداگرد تخت چهار حیوان که از پیش و پس به چشمان پر هستند.

۷ و حیوان اول مانند شیر بود، و حیوان دوم مانند گوساله، و حیوان سوم صورتی مانند انسان داشت، و حیوان چهارم مانند عقاب پرنده.

و آن چهار حیوان که هر یکی از آنهاشش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه روز با نغمی ایستند از گفتن «دوس قدوس قدوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و میآید.»

و چون آن حیوانات جلال و تکریم و سپاس به آن تخت نشینی که تا ابد الاباد زنده است میخوانند، آنگاه آن بیست و چهار پیر میافتند در حضور آن تخت نشین و او را که تا ابد الاباد زنده است عبادت میکنند و تاجهای خود را پیش تخت انداخته، میگویند:

«ای خداوند، مستحق که جلال و کرام و قوت را بیایی، زیرا که تو همه موجودات را آفریده‌ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند.»

کتاب و بره

و دیدم بردست راست تخت نشین، کتابی را که مکتوب است از درون و بیرون، و مختوم به هفت مهر.

۲ و فرشته‌های قوی را دیدم که به آواز بلند ندا میکنند که «یست مستحق اینکه کتاب را بگشاید و مهرهایش را بردارد؟»

و هیچکس در آسمان و در زمین و در زیر زمین نتوانست آن کتاب را باز کند یا بر آن نظر کند. ۴ و من بشدت میگریستم زیرا هیچکس که شایسته گشودن کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن بر آن باشد، یافت نشد.

۵ و یکی از آن پیران به من میگوید: «ریان مباح! اینک آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داود است، غالب آمده است تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید.»

و دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در وسط پیران، بره‌های چون ذبح شده ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خدایند که به تمامی جهان فرستاده میشوند.

۷ پس آمد و کتاب را از دست راست تخت‌نشین گرفته است.

۸ و چون کتاب را گرفت، آن چهار حیوان و بیست و چهار پیر به حضور بره افتادند و هر یکی از ایشان بر بطی و کاسه‌های زرین پر از بخوردارند که دعا‌های مقدسین است.

۹ و سرودی جدید میسر آیند و میگویند: «ستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی
و ایشان را برای خدای مآباد شاهان و کهنه‌ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد.»
و دیدم و شنیدم صدای فرشتگان بسیار را که گرداگرد تخت و حیوانات و پیران بودند و عدد ایشان کرورها کرورها هزاران هزار بود؛
که به آواز بلند میگویند: «ستحق است بره ذبح شده که قوت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت را بیابد.»
و هر مخلوقی که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریاست و آنچه در آنها مییابد، شنیدم که میگویند: «ختنشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابد الاباد.»
و چهار حیوان گفتند: «مین!» و آن پیران به روی در افتادند و سجده نمودند.

گشودن شش مهر

و دیدم چون بره یکی از آن هفت مهر را گشود؛ و شنیدم یکی از آن چهار حیوان به صدایی مثل رعد میگوید: «یا بین!»
و دیدم که ناگاه اسبی سفید که سوارش کمانی دارد و تاجی بدو داده شد و بیرون آمد، غلبه کننده و تا غلبه نماید.
و چون مهر دوم را گشود، حیوان دوم را شنیدم که میگوید: «یا بین!»
و اسبی دیگر، آتشگون بیرون آمد و سوارش را توانایی داده شده بود که سلامتی را از زمین بردارد و تائیکه دیگر را بکشند؛ و به وی شمشیری بزرگ داده شد.
و چون مهر سوم را گشود، حیوان سوم را شنیدم که میگوید: «یا بین!» (و دیدم اینک اسبی سیاه که سوارش ترازوی بدست خود دارد.
۶ و از میان چهار حیوان، آوازی را شنیدم که میگوید: «ک هشت یک گندم به یک

دینار و سه هشت یک جوبه یک دینار و به روغن و شراب ضرر مرسان،»
 و چون مهر چهارم را گشود، حیوان چهارم را شنیدم که میگوید: «یا بین!»^{۱۱}
 و دیدم که اینک اسبی زرد و کسی بر آن سوار شده که اسم او موت است و عالم اموات
 از عقب او میآید؛ و به آن دو اختیار بر یک ربع زمین داده شد تا به شمشیر و قوط و موت
 و با وحوش زمین بکشند.
 و چون مهر پنجم را گشود، در زیر منج دیدم نفوس آنانی را که برای کلام خدا و شهادتی
 که داشتند کشته شده بودند؛
 که به آواز بلند صدا کرده، می گفتند: «ی خداوند قدوس و حق، تا به کی انصاف نمی
 نمایی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی کشی؟»
 و به هر یکی از ایشان جامهای سفید داده شد و به ایشان گفته شد که اندکی دیگر آرامی نمایند
 تا عدد هم قطاران که مثل ایشان کشته خواهند شد، تمام شود.
 و چون مهر ششم را گشود، دیدم که زلزلهای عظیم واقع شد و آفتاب چون پلاس پشمی
 سیاه گردید و تمام ماه چون خون گشت؛
 و ستارگان آسمان بر زمین فروریختند، مانند درخت انجیری که از باد سخت به حرکت
 آمده، میوه های نارس خود را میافشاند.
 ۱۴ و آسمان چون طوماری پیچیده شده، از جا برده شد و هر کوه و جزیره از مکان خود
 منتقل گشت.
 ۱۵ و پادشاهان زمین و بزرگان و سپه سالاران و دولتمندان و جباران و هر غلام و آزاد
 خود را در مغارها و صخره های کوهپایه پنهان کردند.
 ۱۶ و به کوهها و صخره ها میگویند که «رما بیفتید و ما را مخفی سازید از روی آن تخت نشین
 و از غضب بره؛
 زیرا روز عظیم غضب او رسیده است و کیست که میتواند ایستاد؟»

مهر کردن بندگان خدا

و بعد از آن دیدم چهار فرشته، بر چهار گوشه زمین ایستاده، چهار باد زمین را بازمی دارند
 تا باد بر زمین و بردیاب و بر هیچ درخت نوزد.

۲ و فرشته دیگری دیدم که از مطلع آفتاب بالا می‌آید و مهر خدای زنده را دارد. و به آن چهار فرشته‌های که بدیشان داده شد که زمین و دریا را ضرر رسانند، به آواز بلند ندا کرده،
می‌گوید: «بیچ ضرری به زمین و دریا و درختان مرسانید تا بندگان خدای خود را بر پیشانی ایشان مهرزنیم.»

۴ و عدد مهر شدگان را شنیدم که از جمیع اسباط بنیاسرائیل، صد و چهل و چهار هزار مهر شدند.
و از سبط یهود دوازده هزار مهر شدند؛ و از سبط روبین دوازده هزار؛ و از سبط جاد دوازده هزار؛
و از سبط اشیر دوازده هزار؛ و از سبط نفتالم دوازده هزار؛ و از سبط منسی دوازده هزار؛
و از سبط شمعون دوازده هزار؛ و از سبط لوی دوازده هزار؛ و از سبط یساکارد دوازده هزار؛
از سبط زبولون دوازده هزار؛ و از سبط یوسف دوازده هزار؛ و از سبط بنیامین دوازده هزار مهر شدند.

گروهی عظیم با جامه‌های سفید

و بعد از این دیدم که اینک گروهی عظیم که هیچکس ایشان را نتواند بشمارد، از هرامت و قبیله و قوم و زبان در پیش تخت و در حضور بره به جامه‌های سفید آراسته و شاخه‌های نخل به دست گرفته، ایستاده‌اند
و به آواز بلند ندا کرده، می‌گویند: «جات، خدای ما را که بر تخت نشسته است و بره را است.»

و جمیع فرشتگان در گرد تخت و پیران و چهار حیوان ایستاده بودند. و در پیش تخت به روی در افتاده، خدا را سجده کردند
و گفتند: «مین! برکت و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و قوت و توانایی، خدای ما را باد تا ابد الابد. آمین.»

و یکی از پیران متوجه شده، به من گفت: «این سفیدپوشان کی‌نند و از کجا آمده‌اند؟»
من او را گفتم: «داوند اتو میدانی؟» مرا گفت: «یشان کسانی میباشند که از عذاب سخت بیرون می‌آیند و لباس خود را به خون بره شست و شو کرده، سفید نمود هاند.»

۱۵ از این جهت پیش روی تخت خدایند و شبانه روز در هیکل اووی را خدمت میکنند و آن تختنشین، خیمه خود را بر ایشان بر پا خواهد داشت.

۱۶ و دیگر هرگز گرسنه و تشنه نخواهند شد و آفتاب و هیچ گرمی بر ایشان نخواهد رسید.

۱۷ زیرا برهائی که در میان تخت است، شبان ایشان خواهد بود و به چشمه های آب حیات، ایشان را راهنمایی خواهد نمود؛ و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد.»

مهر هفتم

و چون مهر هفتم را گشود، خاموشی قریب به نیم ساعت در آسمان واقع شد.

۲ و دیدم هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده اند که به ایشان هفت کرنا داده شد.

۳ و فرشته های دیگر آمده، نزد مذبح بایستاد با مجری طلا و بخور بسیارید و داده شد تا آن رابه دعا های جمیع مقدسین، بر مذبح طلا که پیش تخت است بدهد، و دو بخور، از دست فرشته بادعاهای مقدسین در حضور خدا بالا رفت.

۵ پس آن فرشته مجرا گرفته، از آتش مذبح آن را پر کرد و به سوی زمین انداخت و صداها و رعدها و برقها و زلزله حادث گردید.

هفت کرنا

و هفت فرشته های که هفت کرنا داشتند خود را مستعد نواختن نمودند و چون اولی بنواخت تگرگ و آتش باخون آمیخته شده، واقع گردید و به سوی زمین ریخته شد و ثلث درختان سوخته و هر گیاه سبز سوخته شد.

و فرشته دوم بنواخت که ناگاه مثال کوهی بزرگ، به آتش افروخته شده، به دریا افکنده شد و ثلث دریاخون گردید،

و ثلث مخلوقات دریایی که جان داشتند، بمردند و ثلث کشتیها تباہ گردید.

و چون فرشته سوم نواخت، ناگاه ستاره های عظیم، چون چراغی افروخته شده از آسمان فرود آمد و بر ثلث نهرها و چشمه های آب افتاد.

۱۱ و اسم آن ستاره را افسنتین میخوانند؛ و ثلث آبها به افسنتین مبدل گشت و مردمان بسیار از آبهایی که تلخ شده بود مردند.

و فرشته چهارم بنواخت و به ثلث آفتاب و ثلث ماه و ثلث ستارگان صدمه رسانید تا ثلث آنها تاریک گردید و ثلث روز و ثلث شب همچین بینور شد.

۱۳ و عقابی را دیدم و شنیدم که در وسط آسمان میبرد و به آواز بلند میگوید: «ای وای وای بر ساکنان زمین، بسبب صدهای دیگر که نای آن سه فرشتهای که میساید بنوازند.»

و چون فرشته پنجم نواخت، ستاره‌های را دیدم که بر زمین افتاده بود و کلید چاه‌هاویه بدو داده شد.

۲ و چاه‌هاویه را گشاد و دودی چون دود تنوری عظیم از چاه بالا آمد و آفتاب و هوا از دو چاه تاریک گشت.

۳ و از میان دود، ملخ‌ها به زمین برآمدند و به آنها قوتی چون قوت عقرب‌های زمین داده شد

و بدیشان گفته شد که ضرر نرسانند نه به گیاه زمین و نه به هیچ سبزی و نه به درختی بلکه به آن مردمانی که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند.

۵ و به آنها داده شد که ایشان را نکشند بلکه تا مدت پنج ماه معذب بدارند و اذیت آنها مثل اذیت عقرب بود، وقتی که کسی را نیش زند.

۶ و در آن ایام، مردم طلب موت خواهند کرد و آن را نخواهند یافت و تمنای موت خواهند داشت، اما موت از ایشان خواهد گریخت.

و صورت ملخ‌ها چون اسب‌های آراسته شده برای جنگ بود و بر سر ایشان مثل تاج‌های شبیه طلا، و چهره‌های ایشان شبیه صورت انسان بود.

۸ و موی داشتند چون موی زنان، و دندان‌هایشان مانند دندان‌های شیران بود.

۹ و جوش‌ها داشتند، چون جوش‌های آهنین و صدای بال‌های ایشان، مثل صدای ارابه‌های اسب‌های بسیار که به جنگ همی تازند.

۱۰ و در ماه چون عقرب‌ها نیش‌ها داشتند؛ و دردم آنها قدرت بود که تا مدت پنج ماه مردم را اذیت نمایند.

۱۱ و بر خود، پادشاهی داشتند که ملک الهاویه است که در عبرانی به ابدون مسمی است و در یونانی اوراپلیون خوانند.

۱۲ یک وای گذشته است. اینک دو وای دیگر بعد از این می‌آید.

و فرشته ششم بنواخت که ناگاه آوازی از میان چهار شاخ مذبح طلایی که در حضور خداست شنیدم
 که به آن فرشته ششم که صاحب کرنا بود میگوید: «ن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بستند، خلاص کن.»
 پس آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین میباشند هاند تا اینکه ثلث مردم را بکشند، خلاصی یافتند.
 ۱۶ و عدد جنود سواران، دو است هزار هزار بود که عدد ایشان را شنیدم.

و به اینطور اسبان و سواران ایشان را در رویا دیدم که جوشنهای آتشین و آسمانجونی و کبریتی دارند و سرهای اسبان چون سر شیران است و از دهانشان آتش و دود و کبریت بیرون میآید.

۱۸ از این سه بلا یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان برمی آید، ثلث مردم هلاک شدند.

۱۹ زیرا که قدرت اسبان در دهان و دم ایشان است، زیرا که دمهای آنها چون مارهاست که سرها دارند و به آنها اذیت میکنند.

۲۰ و سایر مردم که به این بلا یا کشته نگشتند، از اعمال دستهای خود توبه نکردند تا آنکه عبادت دیوها و بتهای طلا و نقره و برنج و سنگ و چوب را که طاقت دیدن و شنیدن و خرامیدن ندارند، ترک کنند؛
 و از قتلها و جادوگریها و زنا و دزدیهای خود توبه نکردند.

فرشته زور آور و گناچه

و دیدم فرشته زور آور دیگری را که از آسمان نازل میشود که ابری در بردارد، و قوس قرچی بر سرش و چهره اش مثل آفتاب و پایهایش مثل ستونهای آتش.

۲ و در دست خود گناچههای گشوده دارد و پای راست خود را بر دریا و پای چپ خود را بر زمین نهاد؛

و به آواز بلند، چون غرش شیر صدا کرد؛ و چون صدا کرد، هفت رعد به صداهای خود سخن گفتند.

۴ و چون هفت رعد سخن گفتند، حاضر شدم که بنویسم. آنگاه آوازی از آسمان شنیدم که میگوید: «نچه هفت رعد گفتند مهر کن و آنها را منویس.»
و آن فرشته‌های را که بر دریا و زمین ایستاده دیدم، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرده،

قسم خورده و او که تا ابد الا باد زنده است که آسمان و آنچه را که در آن است و زمین و آنچه را که در آن است و دریا و آنچه را که در آن است آفرید که «عدا زین زمانی نخواهد بود، بلکه در ایام صدای فرشته هفتم، چون کرتار امیبا بدینوازد، سر خدا به تمام خواهد رسید، چنانکه بندگان خود انبیار ابشارت داد.»

و آن آوازی که از آسمان شنیده بودم، بار دیگر شنیدم که مرا خطاب کرده، میگوید: «رو و گناچه گشاده را از دست فرشته‌های که بر دریا و زمین ایستاده است بگیر.»
پس به نزد فرشته رفته، به وی گفتم که گناچه را به من بدهد. او مرا گفت: «گیر و بخور که اندرون ت را تلخ خواهد نمود، لکن در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود.»
پس گناچه را از دست فرشته گرفته، خوردم که در دهانم مثل عسل شیرین بود، ولی چون خورده بودم، درونم تلخ گردید.

۱۱ و مرا گفت که «بیاید تو اقوام و امتهای و زبانها و پادشاهان بسیار را نبوت کنی.»

دو شاهد خدا

و نیای مثل عصابه من داده شد و مرا گفت: «رخیز و قدس خدا و مذبح و آتانی را که در آن عبادت میکنند پیمایش نما.»

۲ و صحن خارج قدس را بیرون انداز و آن را میماری که به امتها داده شده است و شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند نمود.

۳ و به دو شاهد خود خواهم داد که پلاس در بر کرده، مدت هزار و دو بیست و شصت روز نبوت نمایند.»

اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند زمین ایستاده‌اند.
۵ و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند، آتشی از دهانشان بدر شده، دشمنان ایشان

رافر و میگیرد، و هر که قصد اذیت ایشان دارد، بدینگونه باید کشته شود.

۶ اینها قدرت به بستن آسمان دارند تا در ایام نبوت ایشان باران نبارد و قدرت بر آبهادارند که آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هر گاه بخوانند، به انواع بلا یا مبتلا سازند. و چون شهادت خود را به اتمام رسانند، آن وحش که ازهاویه برمی آید، با ایشان جنگ کرده، غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کشت و بدنهای ایشان در شارع عام شهر عظیم که به معنی روحانی، به سدوم و مصر مسمی است، جایی که خداوند ایشان نیز مصلوب گشت، خواهد ماند.

۹ و گروهی از اقوام و قبایل و زبانها و امتهای بدنهای ایشان را سه روز و نیم نظاره میکنند و اجازت نمی دهند که بدنهای ایشان را به قبر سپارند.

۱۰ و ساکنان زمین بر ایشان خوشی و شادی میکنند و نزدیک دیگرها یا خواهند فرستاد، از آنرو که این دونبی ساکنان زمین را معذب ساختند.

و بعد از سه روز و نیم، روح حیات از خدا بدیشان درآمد که بر پایهای خود ایستادند و بینندگان ایشان را خوشی عظیم فرو گرفت.

۱۲ و آوازی بلند از آسمان شنیدند که بدیشان میگوید: «ه ایجا صعود نمائید.» پس در ابر، به آسمان بالا شدند و دشمنان ایشان را دیدند.

۱۳ و در همان ساعت، زلزلهای عظیم حادث گشت که دهیک از شهر منهدم گردید و هفت هزار نفر از زلزله هلاک شدند و باقی ماندگان ترسان گشته، خدای آسمان را تجید کردند.

۱۴ و ای دوم در گذشته است. اینک وای سوم بزودی میآید.

کرناى هفتم

و فرشتهای بنواخت که ناگاه صداهای بلند در آسمان واقع شد که میگفتند: «لظنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابد الابد حکمرانی خواهد کرد.»

و آن بیست و چهار پیر که در حضور خدا بر تختهای خود نشستند، به روی در افتاده، خدا را سجده کردند

و گفتند: «و راشکر میکنیمای خداوند، خدای قادر مطلق که هستی و بودی، زیرا که قوت عظیم خود را بدست گرفته، به سلطنت پرداختی.»

۱۸ و امت ها خشمناک شدند و غضب تو ظاهر گردید و وقت مردگان رسید تا برایشان داوری شود و تابندگان خود یعنی انبیا و مقدسان و ترسندگان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی و مفسدان زمین را فاسد گردانی.»
و قدس خدا در آسمان مفتوح گشت و تابوت عهد نامه او در قدس او ظاهر شد و بر قها و صداها و رعد ها و زلزله و تگرگ عظیمی حادث شد.

زن واژدها

و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد: زنی که آفتاب را در بردارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است،

و آبستن بوده، از در دزه و عذاب فریاد برمی آورد.

۳ و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک از دهای بزرگ آتشگون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر؛

و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده، آنها را بر زمین ریخت. واژدها پیش آن زن که میزاید بایستاد تا چون بزاید فرزندان او را ببلعد.

۵ پس پسرنیهای را زاید که همه امت های زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ و فرزندش به نزد خدا و تخت او روبرو شده.

۶ وزن به بیابان فرار کرد که در آنجا مکانی برای وی از خدا میباشده است تا او را مدت هزار و دویست و شصت روز بپرورند.

و در آسمان جنگ شد: میکائیل و فرشتگانش با واژدها جنگ کردند و فرشتگانش جنگ کردند،

ولی غلبه نیافتند بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد.

۹ واژدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را میفریبید. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند.

و آوازی بلند در آسمان شنیدم که میگوید: «کنون نجات و قوت و سلطنت خدای ما

- و قدرت مسیح او ظاهر شد زیرا که آن مدعی برادران ما که شبانه روز در حضور خدای ما برایشان دعوی میکند، به زیر افکنده شد.
- ۱۱ و ایشان بوساطت خون بره و کلام شهادت خود بر او غالب آمدند و جان خود را دوست نداشتند.
- ۱۲ از این جهت ای آسمانها و ساکنان آنها شاد باشید؛ و ای بر زمین و دریا زیرا که ابلیس به نزد شما فرو شده است با خشم عظیم، چون میدانند که زمانی قلیل دارد.»
- و چون از دهان او آمد که بر زمین افکنده شد، بر آن زن که فرزند نرینه را زاییده بود، جفا کرد.
- ۱۴ و دو بال عقاب بزرگ به زن داده شد تا به پیاپی به مکان خود پرواز کند، جایی که او را از نظر آن مار، زمانی و دو روزمان و نصف زمان پرورش میکنند.
- ۱۵ و مار از دهان خود در عقب زن، آبی چون رودی ریخت تا سبیل او را فرو گیرد.
- ۱۶ و زمین زن را حمایت کرد و زمین دهان خود را گشاده، آن رود را که از دهان او فرو ریخت فرو برد.
- ۱۷ و از دهان بر زن غضب نموده، رفت تا با باقی ماندگان ذریت او که احکام خدا را حفظ می کنند و شهادت عیسی را نگاه میدارند، جنگ کند.

وحشی از دریا

- و او بر ریگ دریا ایستاده بود.
- و آن وحش را که دیدم، مانند پلنگ بود و پایهایش مثل پای خرس و دهانش مثل دهان شیر. و از دهان قوت خویش و تخت خود و قوت عظیمی به وی داد.
- ۳ و یکی از سرهایش را دیدم که تا به موت کشته شد و از آن زخم مهلک شفایافت و تمامی جهان در پی این وحش در حیرت افتادند.
- ۴ و آن ازدهارا که قدرت به وحش داده بود، پرستش کردند و وحش را سجده کرده، گفتند که «بست مثل وحش و کیست که با وی میتواند جنگ کند؟»
- و به وی دهانی داده شد که به کبر و کفر تکلم میکند؛ و قدرتی به او عطا شد که مدت چهل و دو ماه عمل کند.
- ۶ پس دهان خود را به کفرهای برخدا گشود تا بر اسم او و خیمه او و سکنه آسمان کفر گوید.

۷ و به وی داده شد که با مقدسین جنگ کند و بر ایشان غلبه یابد؛ و تسلط بر هر قبیله و قوم و زبان و امت، بدو عطا شد.

۸ و جمیع ساکنان جهان، جز آنانی که نامهای ایشان در دفتر حیات برهای که از بنای عالم ذبح شده بود مکتوب است، او را خواهند پرستید.

۹ اگر کسی گوش دارد بشنود.

۱۰ اگر کسی اسیر نماید به اسیری رود، و اگر کسی به شمشیر قتل کند، میباید او به شمشیر کشته گردد. در اینجا ست صبر و ایمان مقدسین.

وحشی دیگر از زمین

و دیدم وحش دیگری را که از زمین بالامی آید و دو شاخ مثل شاخهای بره داشت و مانند اژدها تکلم مینمود؛

و با تمام قدرت وحش نخست، در حضور وی عمل میکند و زمین و سکنه آن را بر این وامی دارد که وحش نخست را که از زخم مهلک شفایافت، پیرستند.

۱۳ و معجزات عظیمه بعمل میآورد تا آتش را نیز از آسمان در حضور مردم به زمین فرود آورد.

۱۴ و ساکنان زمین را گمراه میکند، به آن معجزاتی که به وی داده شد که آنها را در حضور وحش بنماید. و به ساکنان زمین میگوید که صورتی را از آن وحش که بعد از خوردن زخم شمشیر زیست نمود، بسازند.

۱۵ و به وی داده شد که آن صورت وحش را روح بخشد تا که صورت وحش سخن گوید و چنان کند که هر که صورت وحش را پرستش نکند، کشته گردد.

۱۶ و همه را از کبیر و صغیر و دلتمند و فقیر و غلام و آزاد بر این وامی دارد که بر دست راست یابر پیشانی خود نشانی گذارند.

۱۷ و اینکه هیچکس خرید و فروش نتواند کرد، جز کسیکه نشان یعنی اسم یا عدد اسم وحش را داشته باشد.

۱۸ در اینجا حکمت است. پس هر که فهم دارد، عدد وحش را بشمارد، زیرا که عدد انسان است و عددش ششصد و شصت و شش است.

بره بر کوه صهیون

و دیدم که اینک بره، بر کوه صهیون ایستاده است و باوی صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم او واسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم میدارند.

۲ و آوازی از آسمان شنیدم، مثل آواز آبهای بسیار و مانند آواز عد عظیم؛ و آن آوازی که شنیدم، مانند آواز بریطنوازان بود که بر بطهای خود را بنوازند.

۳ و در حضور تخت و چهار حیوان و پیران، سرودی جدید میسر آیند و هیچکس نتوانست آن سرود را بیاموزد، جز آن صد و چهل و چهار هزار که از جهان خریده شده بودند.

۴ اینانند آنانی که بازانان آلوده نشدند، زیرا که با کره هستند؛ و آنانند که بره را هر کجا می رود متابعت میکنند و از میان مردم خریده شده اند تا نور برای خدا بره باشند.

۵ و در دهان ایشان دروغی یافت نشد، زیرا که بیعیب هستند.

سه فرشته

و فرشتهای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز میکند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هرامت و قبيله و زبان و قوم بشارت دهد،

و به آواز بلند میگوید: «ز خد ابر سید و او را تجید نمایید، زیرا که زمان داوری اورسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید، پرستش کنید.» و فرشتهای دیگر از عقب او آمده، گفت: «نهدم شد بابل عظیم که از خمر غضب زنای خود، جمیع امتهار انوشانید.»

و فرشته سوم از عقب این دو آمده، به آواز بلند میگوید: «گر کسی وحش و صورت او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی یادست خود پذیرد،

او نیز از خمر غضب خدا که در پیاله خشم وی بیغش آمیخته شده است، خواهد نوشید،

و در نزد فرشتگان مقدس و در حضور بره، به آتش و کبریت، معذب خواهد شد،

و دو د عذاب ایشان تا ابد الابد بالا میرود. پس آنانی که وحش و صورت او را

پرستش میکنند و هر که نشان اسم او را پذیرد، شبانه روز آرامی ندارند.»

در اینجا است صبر مقدسین که احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ مینمایند.

و آوازی را از آسمان شنیدم که میگوید: «نویس که از کنون خوشحالند مردگانی که در خداوند میمیرند.»

و روح میگوید: «لی، تا از زحمات خود آرامی یابند و اعمال ایشان از عقب ایشان میرسد.»

درو کردن زمین

و دیدم که اینک ابری سفید پدید آمد و برابر، کسی مثل پسر انسان نشسته که تاجی از طلا دارد و در دستش داسی تیز است.

۱۵ و فرشته‌های دیگر از قدس بیرون آمده، به آواز بلند آن بر نشین راندا می‌کنند که داس خود را پیش بیاورد و رو کن، زیرا هنگام حصاد رسیده و حاصل زمین خشک شده است.

۱۶ و بر نشین داس خود را بر زمین آورد و زمین درویده شد.

و فرشته‌های دیگر از قدسی که در آسمان است، بیرون آمد و او نیز داسی تیز داشت.

۱۸ و فرشته‌های دیگر که بر آتش مسلط است، از مذبح بیرون شده، به آواز بلند ندا دادند، صاحب داس تیز را گفت: «اس تیز خود را پیش آور و خوشه‌های موزمین را بچین، زیرا انگور هایش رسیده است.»

پس آن فرشته داس خود را بر زمین آورد و موهای زمین را چیده، آن را در چرخشت عظیم غضب خداریخت.

۲۰ و چرخشت را بیرون شهر به پایفشردند و خون از چرخشت تا به دهن اسبان به مسافت هزار و شصت تیر پرتاب جاری شد.

هفت فرشته و هفت بلا

و علامت دیگر عظیم و عجیبی در آسمان دیدم، یعنی هفت فرشته‌های که هفت بلا بی دارند که آخرین هستند، زیرا که به آنها غضب الهی به انجام رسیده است.

۲ و دیدم مثال دریایی از شیشه مخلوط به آتش و کسانی را که بروحش و صورت او و عدد اسم او غلبه می‌یابند، بر دریای شیشه ایستاده و بر بطهای خدا را بدست گرفته،

سر و دموسی بنده خدا و سر و دبره را می‌خوانند و میگویند: «ظلم و عجیب است اعمال توای خداوند خدای قادر مطلق! عدل و حق است راههای توای پادشاه امتهای.»

۴ کیست که از تو نترسد، خداوند او کیست که نام تو را تجید نماید؟ زیرا که تو تنها قدوس

هستی و جمیع امتهای آمده، در حضور تو پرستش خواهند کرد، زیرا که احکام تو ظاهر گردیده است.

و بعد از این دیدم که قدس خیمه شهادت در آسمان گشوده شد،

و هفت فرشته‌ای که هفت بلاد داشتند، گگانی پاک و روشن در بر کرده و کمرایشان به کمر بند زرین بسته، بیرون آمدند.

۷ و یکی از آن چهار حیوان، به آن هفت فرشته، هفت پیاله زرین داد، پراز غضب خدا که تا ابد الاباد زنده است.

۸ و قدس از جلال خدا وقوت او پرود گردید.

۹ و تا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید، هیچکس نتوانست به قدس در آید.

هفت پیاله غضب خدا

و آوازی بلند شنیدم که از میان قدس به آن هفت فرشته میگوید که «روید، هفت پیاله غضب خدا را بر زمین بریزید.»

و اولی رفته، پیاله خود را بر زمین ریخت و دمل زشت و بد بر مردمانی که نشان وحش دارند و صورت او را میپرسند، بیرون آمد.

و دومین پیاله خود را به دریای ریخت که آن به خون مثل خون مرده مبدل گشت و هر نفس زنده از چیزهایی که در دریای بود بمرد.

و سومین پیاله خود را در نهرها و چشمه‌های آب ریخت و خون شد.

۵ و فرشته آهارا شنیدم که میگوید: عادلی تو که هستی و بودیای قدوس، زیرا که چنین حکم کردی،

چونکه خون مقدسین و انبیار را ریختند و بدیشان خون دادی که بنوشند زیرا که مستحقند.» و شنیدم که مدبج میگوید: «ای خداوند، خدای قادر مطلق، داوریهای تو حق و عدل است.»

و چهارمین، پیاله خود را بر آفتاب ریخت، و به آن داده شد که مردم را به آتش بسوزاند.

۹ و مردم به حرارت شدید سوخته شدند و به اسم آن خدا که بر این بلا یا قدرت دارد،

کفر گفتند و توبه نکردند تا او را تحمید نمایند.

و پنجمین، پیاله خود را بر تخت وحش ریخت و مملکت او تاریک گشت و زبانه‌های خود را از درد میگریزند،

و به خدای آسمان به سبب دردها و دملهای خود کفر می‌گفتند و از اعمال خود توبه نکردند. و ششمین، پیاله خود را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه پادشاهانی که از مشرق آفتاب می‌آیند، می‌اشود.

۱۳ و دیدم که از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی کاذب، سه روح خبیث چون وزغهای بیرون می‌آیند.

۱۴ زیرا که آنها ارواح دیوها هستند که معجزات ظاهر می‌سازند و پادشاهان تمام ربع مسکون خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق فراهم آورند.

«ینک چون دزد می‌آیم! خوشحال کسی که بیدار شده، رخت خود را نگاه دارد، مبادا اعریان راه رود و رسوایی او را ببینند.»

و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی حارمجدون می‌خوانند، فراهم آوردند. و هفتمین، پیاله خود را بر هوا ریخت و آوازی بلند از میان آسمان از تخت بدرآمده، گفت که «مام شد.»

و بر قها و صدها و رعدا حادث گردید و زلزله‌های عظیم شدند چنانکه از حین آفرینش انسان بر زمین زلزله‌های به این شدت و عظمت نشده بود.

۱۹ و شهر بزرگ به سه قسم منقسم گشت و بلدان امتها خراب شد و بابل بزرگ در حضور خدا بیاد آمد تا پیاله نمر غضب آلود خشم خود را بدو دهد.

۲۰ و هر جزیره گریخت و کوهها نایاب گشت، و تگرگ بزرگ که گویا به وزن یک من بود، از آسمان بر مردم بارید و مردم به سبب صدمه تگرگ، خدا را کفر گفتند زیرا که صدمهاش بینهایت سخت بود.

زن سوار بر وحش

و یکی از آن هفت فرشته‌ای که هفت پیاله را داشتند، آمد و به من خطاب کرده، گفت: «یا تا قضای آن فاحشه بزرگ را که بر آبهای بسیار نشسته است به تو نشان دهم،

که پادشاهان جهان با او زنا کردند و ساکنان زمین، از حمرز نای او مست شدند.»
پس مراد روح به بیابان بردوزنی را دیدم بروحش قرمزی سوار شده که از نامهای کفر
پر بود و هفت سر و ده شاخ داشت.

۴ و آن زن، به ارغوانی و قرمز ملبس بود و به طلا و جواهر و مروارید مزین و پپالهای زرین
به دست خود پر از خبائث و نجاسات زنای خود داشت.

۵ و بر پیشانیاش این اسم مرقوم بود: «رویابل عظیم و مادر فواحش و خبائث دنیا.»
و آن زن را دیدم، مست از خون مقدسین و از خون شهدای عیسی و از دیدن او بینهایت
تعجب نمودم.

۷ و فرشته مرا گفت: «را متعجب شدی؟ من سرزن و آن وحش را که هفت سر و
ده شاخ دارد که حامل اوست، به تو بیان مینمایم.

۸ آن وحش که دیدی، بود و نیست و ازها و یه خواهد برآمد و یه هلاکت خواهد رفت؛
و ساکنان زمین، جز آنانی که نامهای ایشان از بنای عالم درد در قریحیات مرقوم است، در
حیرت خواهند افتاد از دیدن آن وحش که بود و نیست و ظاهر خواهد شد.

«بخجاست ذهنی که حکمت دارد. این هفت سر، هفت کوه میباشد که زن بر آنها
نشسته است؛

و هفت پادشاه هستند که پنج افتاد هاند و یکی هست و دیگری هنوز نیامده است و چون
آیدی باید اندکی بماند.

۱۱ و آن وحش که بود و نیست، هشتمین است و از آن هفت است و به هلاکت میرود.
۱۲ و آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافته اند بلکه یک ساعت
با وحش چون پادشاهان قدرت میبایند.

۱۳ اینها یک رای دارند و قوت و قدرت خود را به وحش میدهند.

۱۴ ایشان بآره جنگ خواهند نمود و بره برایشان غالب خواهد آمد، زیرا که او را بالارباب
و پادشاه پادشاهان است و آنانی نیز که با وی هستند که خوانده شده و برگزیده و امینند.»
و مرا میگوید: «بهایی که دیدی، آنجایی که فاحشه نشسته است، قومها و جماعتها و امتها
و زبانها میباشد.

۱۶ و آماده شاخ که دیدی و وحش، اینها فاحشه را دشمن خواهند داشت و او را بینوا

وعریان خواهند نمود و گوشتش را خواهند خورد و او را به آتش خواهند سوزانید، زیرا خدا در دل ایشان نهاده است که اراده او را به جز آرزوی یک رای شده، سلطنت خود را به وحش بدهند تا کلام خدا تمام شود.

۱۸ وزنی که دیدی، آن شهر عظیم است که بر پادشاهان جهان سلطنت میکند.»

انهدام بابل عظیم

بعد از آن دیدم فرشتہای دیگر از آسمان نازل شد که قدرت عظیم داشت و زمین به جلال او منور شد.

۲ و به آواز زور آور ندا کرده، گفت: «نهدم شد، منهدم شد بابل عظیم! او مسکن دیوها و ملاذ هر روح خبیث و ملاذ هر مرغ ناپاک و مکروه گردیده است.

۳ زیرا که از خمر غضب آلود زنا و همه امت هانوشید هاند و پادشاهان جهان باوی زنا کرده اند و تجار جهان از کثرت عیاشی او دو لمتند گردیده هاند.»

و صدایی دیگر از آسمان شنیدم که میگفت: «ای قوم من از میان او بیرون آید، مبادا در گناهانش شریک شده، از بلاهایش بهر همنده شوید.

۵ زیرا گناهانش تا به فلک رسیده و خدا ظلمهایش را به یاد آورده است.

۶ بدورد کنید آنچه را که او داده است و بحسب کارهایش دو چندان بد و جزا دهید و در پیالهای که او آمیخته است، او را دو چندان بیامیزید.

۷ به اندازهای که خویشتن را تحمید کرد و عیاشی نمود، به آنقدر عذاب و ماتم بد و دهید، زیرا که در دل خود می گوید: به مقام ملکه نشستام و بیوه نیستم و ماتم هرگز نخواهم دید.

۸ لہذا بلا یای او از مرگ و ماتم و فقط در یک روز خواهد آمد و به آتش سوخته خواهد شد، زیرا که زور آور است، خداوند خدایی که بر او دوری میکند.

۹ آنگاه پادشاهان دنیا که با او زنا و عیاشی نمودند، چون دود سوختن او را بینند، گریه و ماتم خواهند کرد،

و از خوف عذابش دور ایستاده، خواهند گفت: وای وای، ای شهر عظیم، ای بابل، بلده زور آور زیرا که در یک ساعت عقوبت تو آمد.

«تجار جهان برای او گریه و ماتم خواهند نمود، زیرا که از این پس بضاعت ایشان را کسی نمی خرد.

۱۲ بضاعت طلا و نقره و جواهر و مروارید و نگان نازک و ارغوانی و ابریشم و قرمز و عود قناری و هر ظرف عاج و ظروف چوب گرانها و مس و آهن و مرمر، و دارچینی و حماما و خوشبوها و مروارید و کنده و شراب و روغن و آرد میده و گندم و رومها و گلها و اسبان و اربابها و اجساد و نفوس مردم.

۱۴ و حاصل شهوت نفس توازتو گم شد و هر چیز فربه و روشن از تو نابود گردید و دیگر آنها را نخواهی یافت.

۱۵ و تاجران این چیزها که از وی دولت مند شده اند، از ترس عذابش دور ایستاده، گریان و ماتمکنان

خواهند گفت: وای، وای، ای شهر عظیم که به نگان و ارغوانی و قرمز ملبس میبودی و به طلا و جواهر و مروارید مزین، زیرا در یک ساعت اینقدر دولت عظیم خراب شد.

۱۷ و هر ناخدا و کل جماعتی که بر کشتیها میباشند و ملان و هر که شغل دریا میکند دور ایستاده،

چون دو دسوختن آن را دیدند، فریادکنان گفتند: کدام شهر است مثل این شهر بزرگ! و خاک بر سر خود ریخته، گریان و ماتمکنان فریاد بر آورده، می گفتند: «ای، وای بر آن شهر عظیم که از آن هر که در دریا صاحب کشتی بود، از نفایس او دولت مند گردید که در یک ساعت ویران گشت.

«سای آسمان و مقدسان و رسولان و انبیای شادی کنید زیرا خدا انتقام شمارا از او کشیده است.»

و یک فرشته زور آور سنگی چون سنگ آسیای بزرگ گرفته، به دریا انداخت و گفت: «نیز به یک صدمه، شهر بابل منهدم خواهد گردید و دیگر هر که یافت نخواهد شد.

۲۲ و صوت بر بطزنان و مغنیان و نیرنان و کرنا نوازان بعد از این در تو شنیده نخواهد شد و هیچ صنعتگراز هر صنعتی در تو دیگر پیدا نخواهد شد و باز صدای آسیاد در تو شنیده نخواهد گردید، و نور چراغ در تو دیگر نخواهد تابید و آواز عروس و داماد باز در تو شنیده نخواهد گشت

زیرا که تجار تو کابر جهان بودند و از جادوگری توجیع امتهای همراه شدند.
۲۴ و در آن، خون انبیا و مقدسین و تمام مقتولان روی زمین یافت شد.»

هلویاه

و بعد از آن شنیدم چون آوازی بلند از گروهی کثیر در آسمان که می‌گفتند: «هلویاه! نجات و جلال و اکرام و قوت از آن خدای ما است، زیرا که احکام او راست و عدل است، چونکه داوری نمود بر فاحشه بزرگ که جهان را به زناى خود فاسد میگردانید و انتقام خون بندگان خود را از دست او کشید.»
و یار دیگر گفتند: «هلویاه، و دودش تا ابد بالا میرود!»
و آن بیست و چهار پیرو چهار حیوان به روی در افتاده، خدایی را که بر تخت نشسته است سجده نمودند و گفتند: «مین، هلویاه!»
و آوازی از تخت بیرون آمده، گفت: «مدنماید خدای ما را ای تمامی بندگان او و ترسندگان او چه کبیر و چه صغیر.»
و شنیدم چون آواز جمعی کثیر و چون آواز آبهای فراوان و چون آواز عده‌های شدید که می‌گفتند: «هلویاه، زیرا خداوند خدای ما قادر مطلق، سلطنت گرفته است.
۷ شادی و وجد نمایم و او را تعجید کنیم زیرا که نکاح بره رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است.
۸ و به او داده شد که به گنان، پاک و روشن خود را بپوشاند، زیرا که آن گنان عدالت‌های مقدسین است.»
و مرا گفت: «نویس: خوشبحال آنانی که به بزم نکاح بره دعوت شده‌اند.» و نیز مرا گفت که «این است کلام راست خدا.»
و نزد پایهایش افتادم تا او را بسمیحه کنم. او به من گفت: «نهار چنین نکنی زیرا که من باتو هم خدمت هستم و یار دارانم که شهادت عیسی را دارند. خدا را بسمیحه کن زیرا که شهادت عیسی روح نبوت است.»

کلمه خدا

و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه آسی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری

و جنگ مینماید،
و چشمانش چون شعله آتش و سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش
هیچکس آن را نمی داند.

۱۳ و جامهای خون آلود در بردارد و نام او را «لمه خدا» میخوانند.

۱۴ و لشکریانی که در آسمانند، بر اسبهای سفید و به گن سفید و پاک ملبس از عقب
او میآیند.

۱۵ و از دهانش شمشیری تیز بیرون میآید تا به آن امتها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی
خواهد نمود و او چرخش خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود میافشرد.

۱۶ و بر لباس و ران او نامی مرقوم است یعنی «ادشاه پادشاهان و رب بالا رباب.»

و دیدم فرشتهای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پروازی
کنند، ندا کرده، میگوید: «بایید و بجهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید.

۱۸ تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت
اسبها و سواران آنها و گوشت همگان را، چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر.»

و دیدم وحش و پادشاهان زمین و لشکریهای ایشان را که جمع شده بودند تا با اسبسوار و
لشکر او جنگ کنند.

۲۰ و وحش گرفتار شد و نبی کاذب با وی که پیش او معجزات ظاهر میکرد تا به آنها
آنانی را که نشان وحش را دارند و صورت او را میپرسند، گمراه کند. این هر دو،
زنده به دریاچه آتش افروخته شده به کبریت انداخته شدند.

۲۱ و باقیان به شمشیری که از دهان اسبسوار بیرون میآمد کشته شدند و تمامی مرغان
از گوشت ایشان سیر گردیدند.

هزار سال

و دیدم فرشتهای را که از آسمان نازل می شود و کلیدها و یه را دارد و زنجیری بزرگ بر
دست وی است.

۲ و از دها یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان میباشد، گرفتار کرده، او را تا مدت هزار
سال در بند نهاد.

۳ و اورابه هاویه انداخت و در برابر او بسته، مهر کرد تا امتبار دیگر گمراه نکند تا مدت هزار سال به انجام رسد؛ و بعد از آن میباید اندکی خلاصی یابد.

و تختها دیدم و بر آنها نشستند و به ایشان حکومت داده شد و دیدم نفوس آنانی را که بجهت شهادت عیسی و کلام خدا سر بریده شدند و آنانی را که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند که زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند.

۵ و سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید. این است قیامت اول.

۶ خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد.

محکومیت شیطان

و چون هزار سال به انجام رسد، شیطان از زندان خود خلاصی خواهد یافت تا بیرون رود و امت هائی را که در چهار زاویه جهانند، یعنی جوج و ماجوج را گمراه کند و ایشان را بجهت جنگ فراهم آورد که عدد ایشان چون ریگ دریاست.

۹ و بر عرصه جهان برآمده، لشکر گاه مقدسین و شهر محبوب را محاصره کردند. پس آتش از جانب خدا از آسمان فروریخته، ایشان را بلعید.

۱۰ و ابلیس که ایشان را گمراه میکند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابد الا باد شبانه روز عذاب خواهند کشید. و دیدم تختی بزرگ سفید و کسی را بر آن نشسته که از روی وی آسمان و زمین گریخت و برای آنها جایی یافت نشد.

۱۲ و مردگان را خود بزرگ دیدم که پیش تخت ایستاده بودند؛ و دقترها را گشودند. پس دقتری دیگر گشوده شد که دقتر حیات است و بر مردگان داوری شد؛ بحسب اعمال ایشان از آنچه در دقترها مکتوب است.

۱۳ و دریا مردگانی را که در آن بودند باز داد؛ و موت و عالم اموات مردگانی را که در آنها بودند باز دادند؛ و هر یکی بحسب اعمالش حکم یافت.

۱۴ و موت و عالم اموات به دریاچه آتش انداخته شد. این است موت ثانی، یعنی

دریاچه آتش.

۱۵ و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده گردید.

اورشليم جديد

و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی باشد.

۲ و شهر مقدس اورشليم جديد را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل میشود، حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است.

۳ و آوازی بلند از آسمان شنیدم که میگفت: «ینک خیمه خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خداى ایشان خواهد بود.»

۴ و خدا هر اشکی از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و دردی دیگر و نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت.»

و آن تخت نشین گفت: «لحال همه چیز را نومی سازم.» و گفت: «نویس، زیرا که این کلام امین و راست است.»

باز مرا گفت: «مام شد! من الف و یا و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات، مفت خواهم داد.»

۷ و هر که غالب آید، وارث همه چیز خواهد شد، و او را خدا خواهد بود و او مرا پسر خواهد بود.

۸ لکن ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بتپرستان و جمیع دروغگویان، نصیب ایشان درد دریاچه آفر و خسته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.»

و یکی از آن هفت فرشته که هفت پاله پراز هفت بلای آخرین را دارند، آمد و مرا مخاطب ساخته، گفت: «یا تا عروس منکو حه بره رابه تونشان دهم.»

آنگاه مرا در روح، به کوهی بزرگ بلند برد و شهر مقدس اورشليم رابه من نمود که از آسمان از جانب خدا نازل میشود،

- و جلال خدا دارد و نورش مانند جواهر گرانبها، چون یشم بلورین.
- ۱۲ و دیواری بزرگ و بلند دارد و دوازده دروازه دارد و بر سر دروازه ها دوازده فرشته و اسمها بر ایشان مرقوم است که نامهای دوازده سبط بنی اسرائیل باشد.
- ۱۳ از مشرق سه دروازه و از شمال سه دروازه و از جنوب سه دروازه و از مغرب سه دروازه.
- ۱۴ و دیوار شهر دوازده اساس دارد و بر آنها دوازده اسم دوازده رسول بره است.
- و آن کس که با من تکلم میکرد، نی طلا داشت تا شهر و دروازه هایش و دیوارش را ببیند.
- ۱۶ و شهر مربع است که طول و عرضش مساوی است و شهر را به آن نی پیوده، دوازده هزار تیر پرتاب یافت و طول و عرض و بلندیش برابر است.
- ۱۷ و دیوارش را صد و چهل و چهار ذراع پیود، موافق ذراع انسان، یعنی فرشته.
- ۱۸ و بنای دیوار آن از یشم بود و شهر از زر خالص چون شیشه مصفی بود.
- ۱۹ و بنیاد دیوار شهر به هرنوع جواهر گرانبها مزین بود که بنیاد اول، یشم و دوم، یاقوت کبود و سوم، عقیق سفید و چهارم، زمرد پنجم، جزع عقیقی و ششم، عقیق و هفتم، زبرجد و هشتم، زمرد سلقی و نهم، طوپاز و دهم، عقیق اخضر و یازدهم، آسماننجونی و دوازدهم، یاقوت بود.
- ۲۱ و دوازده دروازه، دوازده مروارید بود، هر دروازه از یک مروارید و شارع عام شهر، از زر خالص چون شیشه شفاف.
- و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا خداوند خدای قادر مطلق و بره قدس آن است.
- ۲۳ و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا که جلال خدا آن را منور میسازد و چراغش بره است.
- ۲۴ و امتها در نورش سالک خواهند بود و پادشاهان جهان، جلال و کرام خود را به آن خواهند درآورد.
- ۲۵ و دروازه هایش در روز بسته نخواهد بود زیرا که شب در آنجا نخواهد بود.
- ۲۶ و جلال و عزت امتها را به آن داخل خواهند ساخت.
- ۲۷ و چیزی ناپاک یا کسیکه مرتکب عمل زشت یا دروغ شود، هرگز داخل آن نخواهد شد،

مگر آنانی که در دفتر حیات بره مکتوبند.

نهر آب حیات

ونهری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود، مانند بلور و از تخت خدا بره جاری میشود.

۲ و در وسط شارع عام آن و بر هر دو کنار نهر، درخت حیات را که دوازده میوه میآورد یعنی هر ماه میوه خود را می دهد؛ و برگهای آن درخت برای شفای امت هامی باشد.

۳ و دیگر هیچ لعنت نخواهد بود و تخت خدا بره در آن خواهد بود و بند گانش او را عبادت خواهند نمود.

۴ و چهره او را خواهند دید و اسم وی بر پیشانی ایشان خواهد بود.

۵ و دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب ندارند، زیرا خداوند خدا بر ایشان روشنائی میبخشد و تا ابد الابد سلطنت خواهند کرد.

۶ و مرا گفت: «بن کلام امین و راست است و خداوند خدای ارواح انبیا، فرشته خود را فرستاد تا به بندگان خود آنچه را که زود میباید واقع شود، نشان دهد.»

«اینک به زودی میآیم. خوشباجال کسیکه کلام نبوت این کتاب را نگاه دارد.»
 و من، یوحنا، این امور را شنیدم و دیدم و چون شنیدم و دیدم، افتادم تا پیش پایهای آن فرشتهای که این امور را به من نشان داد سجده کنم.

۹ او مرا گفت: «نهار نکنی، زیرا که هم خدمت با تو هستم و با انبیا یعنی برادرانت و با آنانی که کلام این کتاب را نگاه دارند. خدا را سجده کن.»

و مرا گفت: «لام نبوت این کتاب را مهر ممکن زیرا که وقت نزدیک است.»

۱۱ هر که ظالم است، باز ظلم کند و هر که خبیث است، باز خبیث بماند و هر که عادل

است، باز عدالت کند و هر که مقدس است، باز مقدس بشود.»

«اینک به زودی میآیم و اجرت من با من است تا هر کسی را بحسب اعمالش جزا دهم.»

۱۳ من الف و ریاء و ابتداء و انتها و اول و آخر هستم

خوشباجال آنانی که رختهای خود را می شویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند و به دروازه

های شهر در آیند،
 زیرا که سگان و جادوگران و زانیان و قاتلان و بتپرستان و هر که دروغ را دوست دارد و
 بعمل آورد، بیرون میباشند.
 ۱۶ من عیسی فرشته خود را فرستادم تا شمارا در کلیساها بدین امور شهادت دهم. من
 ریشه و نسل داود و ستاره درخشانده صبح هستم.»
 و روح و عروس میگویند: «یا!» و هر که میشنود بگوید: «یا!» و هر که تشنه باشد، بیاید
 و هر که خواهش دارد، از آب حیات بیقیمت بگیرد.
 ۱۸ زیرا هر کس را که کلام نبوت این کتاب را بشنود، شهادت میدهم که اگر کسی
 بر آنها بیفزاید، خدا بلاهای مکتوب در این کتاب را بروی خواهد افزود.
 ۱۹ و هر گاه کسی از کلام این نبوت چیزی کم کند، خدا نصیب او را از درخت حیات
 و از شهر مقدس و از چیزهایی که در این کتاب نوشته است، منقطع خواهد کرد.
 او که بر این امور شاهد است، میگوید: «لی، به زودی میآیم!»
 آمین. بیا، ای خداوند عیسی!
 فیض خداوند ما عیسی مسیح با همه شما باد. آمین.

xxxiii

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f